

# عیسی و نیازمندان



## بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: لوقا ۱: ۴۶ تا ۵۵، ۴: ۱۶ تا ۲۱، ۷: ۱۸ تا ۲۳؛ متی ۱۲: ۱۵ تا ۲۱، متی ۲۱: ۱۲ تا ۱۶؛ مرقس ۱۱: ۱۵ تا ۱۹؛ اشعیا ۵۳: ۳ تا ۶.

**آیه حفظی:** «روح خداوند بر من است! خداوند مرا برگزیده تا مژده رحمت او را به بینوایان برسانم. او مرا فرستاده است تا رنج‌دیدگان را تسلی بخشم و رهایی را به اسیران و بینایی را به نابینایان اعلام نمایم و مظلومان را آزاد سازم؛ و بشارت دهم که زمان آن فرا رسیده که خداوند انسان را مورد لطف خود قرار دهد» (لوقا ۴: ۱۸ و ۱۹).

در میان دیگر دلایل برای تجسم یافتن او، این دلیل وجود دارد که عیسی آمد تا به ما نشان دهد که خداوند چگونه است. او این کار را فقط با تعالیمش، با فداکاریش، و با طرز زندگی‌اش؛ و بوسیله چگونگی ارتباط با افراد عادی نشان داد. بسیاری از اعمال او تغییرات آنی و دنیاواقعی را در زندگی دیگران ایجاد نمود.

این جنبه از زندگی مسیح توسط انبیاء عهد عتیق، مریم مادر عیسی، و حتی توسط عیسی مسیح هنگامی که رسالت و مأموریت خودش را در اولین موعظه‌اش (لوقا ۴) مشخص و بیان می‌کرد، پیشگوئی شده بود. علاوه بر این، نویسندگان انجیل اغلب با استفاده از طرز بیان انبیاء عهد عتیق در قالب حکایات، خدماتی که مسیح انجام داد را توضیح داده‌اند. به این ترتیب، زندگی مسیح در سنت و رسوم این انبیاء، از جمله شفقت و دلسوزی آنان برای فقرا و ستمدیدگان به طور وضوح دیده می‌شود.

اما رهبران مذهبی، عیسی را به عنوان تهدیدی برای خود می‌شناختند. در یک نمونه ناگوار و ترسناک از بی‌عدالتی و بی‌رحمی، آنها عیسی را دستگیر و بطور ناعادلانه محاکمه و مصلوب کردند. از طریق محاکمه ناعادلانه عیسی مسیح، خداوند می‌داند که بی‌عدالتی چه حسی دارد — و از طریق مرگ او، خداوند وحشت ترس‌شیر را برملا و از بین برد، اگرچه از طریق رستاخیزش، او برای حیات، نیکویی و نجات به پیروزی رسید.

درس این هفته را مطالعه کنید تا برای سبت ۲۶ مرداد — August ۱۷ آماده شوید.

## سرود مریم

این صحنه را تصور کنید: فقط چند روز پیش مریم پیام جبرئیل فرشته را دریافت کرده بود. او به مریم گفته بود که او مادر عیسی پسر خداوند متعال خواهد بود، او هنوز به هیچکس در این مورد حرفی نزده بود و می رود تا الیزابت، خویشاوند پیرش را ملاقات کند، الیزابت همچنین در انتظار بدنیا آمدن فرزندش در اثر معجزه است. الیزابت از طریق بینش روحانی خود، خبر بارداری مریم را حتی قبل از اینکه مریم فرصت پیدا کند چیزی در مورد آن بگوید، ادراک می کند و آنها با هم وعده های خیر و نیکیوی خداوند را جشن می گیرند.

لوقا ۱: ۴۶ تا ۵۵ بخوانید. به شکرگزاری او توجه کنید: « زیرا آن قادر مطلق کارهای بزرگی برای من کرده است. نام او مقدّس است » ( لوقا ۱: ۴۹) - و این شکرگزاری فراتر از یک شخص بلکه برای همگان می باشد. چرا حمد و شکرگزاری ما باید هم تاکید شخصی و هم عمومی داشته باشد؟

این سرود قابل توجهی است که می تواند به خوبی در میان مزامیر و یا در نوشته های انبیاء عبرانی قرار بگیرد. مریم مالامال از حس شگفتی و سپاسگزاری از خداوند شده بود. او به وضوح کار خداوند را در زندگی خودش دیده بود، اما او همچنین از پیامدهای بزرگ طرح خداوند برای نجات قومش و نژاد بشر به خوبی آگاه بود.

اما در فهم و درک مریم، خداوند نه تنها قدرتمند و ستودنی بود، بلکه او مهربان هم بود، و به نظر می رسید که با فروتنی توجه ویژه ای نسبت به ضعیفان و فقرا دارد. فرشته خداوند پس از اعلام « خبر خوش » درباره تولد مسیح، قبل از اینکه مریم این سرود را بسراید، به یکباره ناپدید می شود: « سلاطین را از تخت به زیر کشیده و فروتنان را سربلند کرده است. گرسنگان را با نعمتهای خود سیر کرده، اما ثروتمندان را تهی دست روانه نموده است » ( لوقا ۱: ۵۲ و ۵۳).

درست در ابتدای داستان زندگی عیسی بر روی زمین، او به عنوان حکمران معرفی شده است — اما به عنوان نوعی فرمانروائی و سلطنتی متفاوت — همانطور که بسیاری از مفسران آن را توصیف کرده اند، پادشاهی خداوند، که عیسی آمد تا آن را بر پا و بنا کند، می باید هنگامی که با احکام اجتماعی معمول در پادشاهی های این دنیا مقایسه می شود، « بر عکس پادشاهی های دیگر » بوده باشد. در توصیف هایی که ما از پادشاهی عیسی داریم، قدرتمندترین و ثروتمندترین های این جهان، کمترین و کوچکترین هستند، فقرا و ستمدیدگان همه رستگاری یافته، « سیراب و اشباع » شده و سربلند می شوند.

اگر کلیسا تجلی کننده پادشاهی خداوند باشد، چگونه کلیسا می تواند نمونه خوبی شبیه یک « پادشاهی وارونه » باشد که مریم آن را توصیف کرد؟ چطور سیستمی می تواند شبیه این الگو باشد، اما بدون اینکه به ثروتمندان و قدرتمندان و همینطور به کسانی که محبت مسیح را دریافت می کنند، بی انصاف باشد؟

## دوشنبه

۲۱ مرداد

### وصف رسالت مسیح

خواه تعیین شده بود تا در آن روز آیاتی خوانده شود یا این که عیسی تعمداً آیات (اشعیا ۶۱: ۱ و ۲) را در طوماری که به او داده شده بود تا بخواند، متناسب یافت؛ این آیات بطور تصادفی در متن اولین موعظه عمومی او قرائت شد. و همچنین داستان موعظه کوتاه عیسی در لوقا ۴: ۱۶ تا ۲۱ هم تصادفی نبود — او به ایشان گفت: « امروز هنگامی که گوش می دادید این نوشته به حقیقت پیوست » (لوقا ۴: ۲۱) — که شروع نگارش و ثبت رسالت عمومی عیسی توسط بود.

به نظر می رسید که عیسی مسیح از نوای سرود « پادشاهی وارونه » مریم الهام گرفته و شروع به اجرای آن در رسالت عملی خود می کند. عیسی — و لوقا در بازگویی داستان عیسی — از نبوت اشعیا برای توضیح آنچه که عیسی انجام داده بود و در حال انجام آن بود، استفاده کردند؛ اما همچنین این طریق دیگری بود برای بیان آنچه که مریم ۳۰ سال پیش تر از آن توصیف کرده بود. فقرا، آسیب دیدگان و ستمدیدگان، مرکز توجه و دریافت کنندگان خبر خوبی بودند که عیسی آورده بود.

عیسی از آیات باب ۶۱ اشعیا برای شرح خدمت و رسالتش استفاده کرد. خدمت و مأموریت او هم روحانی و هم عملی بودند، و او اثبات کرد که امور روحانی و عملی به اندازه ای که گاهی ما فکر می کنیم از هم دور نیستند. از نظر عیسی و شاگردان او، جسم و روح لازم و ملزوم یکدیگرند و یکی بدون دیگری نمی تواند عمل کند. [به همین منظور بود که عیسی ابتدا با اطعام و شفا، به بهبود شرایط جسمی آنان می پرداخت، سپس به شرایط روحانی آنان رسیدگی می کرد].

لوقا ۴: ۱۶ تا ۲۱ و ۷: ۱۸ تا ۲۳ را بخوانید و با هم مقایسه کنید. شما فکر می کنید چرا، عیسی به این صورت جواب داد؟ شما چگونه به سؤالات مشابه در مورد الوهیت و مسیح موعود بودن عیسی پاسخ می دهید؟

هنگامی که عیسی مسیح شاگردان خود را برای بشارت انجیل فرستاد، مأموریتی که به آنان داد در راستای همین رسالت بود. در حالی که آنها اعلام می کردند که «پادشاهی آسمان نزدیک است» (متی ۱۰: ۷)، سفارش بعدی عیسی به آنان این بود که، «بیماران را درمان کنید، مردگان را زنده کنید، جذامی ها را شفا بدهید، و ارواح پلید را از جسم ها بیرون کنید». رایگان بدست آورده‌اید؛ رایگان ببخشید، (متی ۱۰: ۸). خدمات آنان به نام عیسی بود تا ارزش ها و مبانی رسالت عیسی و پادشاهی را که او مردم را به آن دعوت می کرد، منعکس و ثابت کنند. همچنین شاگردان مسیح به او در گرفتن دست افتادگان و آنانی که کوچک شمرده می شدند و راه خود را در زندگی گم کرده بودند، پیوستند.

چگونه می توانیم این کار را با پیام مهم موعظه سه فرشته به جهان گمراه شده در گناه تطابق دهیم؟ چرا باید همه کارهایی که می کنیم به طریقی با اعلان «حقیقت حاضر» مرتبط باشد؟

۲۲ مرداد

سه شنبه

## عیسی شفا می دهد

انجیل پر از حکایات معجزات عیسی، به ویژه کسانی است که شفا یافته اند. همانطور که اشعیا پیشگویی کرده بود، او نابینایان و کسانی را گاهی اوقات سالها در رنج و مرض بودند شفا داد (به عنوان نمونه به لوقا ۵: ۲۴ تا ۳۴ و یوحنا ۵: ۱ تا ۱۵ نگاه کنید). اما معجزات او بیشتر از این بود؛ او اقلیج را شفا داد، جذامی را درمان کرد — نه فقط بوسیله کلام خود بلکه بوسیله لمس کردن آنها — هرچند آنان «گناهکار» بودند؛ او با ارواح پلید روبرو شد کسانی که ذهن و جسم انسانها را در اختیار خود داشتند؛ و او حتی مردگان را هم حیات بخشید. ما ممکن است فکر کنیم که این معجزات به خاطر جلب توجه انبوه مردم و اثبات قدرتش به بسیاری از مخالفانش و منتقدانش بوده است. اما همیشه موضوع به این صورت نبوده است. برعکس، اغلب عیسی به اشخاصی که شفا می یافتند سفارش می کرد که به کسی درباره آن چیزی نگویند. هرچند به نظر می رسد که افراد شفا یافته دوست نداشتند این درخواست مسیح را اجابت کنند و این خبر شگفت انگیز شفای خود را فقط در نزد خویش حفظ کنند، عیسی سعی داشت نشان دهد که معجزات او درباره هدفی مهم تر از دریافت بینایی است، و البته هدف نهایی او این بود که مردم از طریق او به رستگاری برسند.

با این حال، معجزات شفای عیسی مظهر شفقت و مهربانی او بود. برای مثال، در مورد رهبری او برای سیر کردن ۵۰۰۰ نفر، «همین که عیسی به ساحل رسید، جمعیت زیادی را دید و دلش به حال آنها سوخت و مریضان آنان را شفا داد» (متی ۱۴: ۱۴). عیسی درد

کسانی را که در معرض رنج و مرارت بودند احساس کرد، و هر آنچه را که می توانست برای مردم انجام داد و او نزد آنان آمد تا به آنها کمک کند و دست نیاز آنان را بگیرد.

نبوت اشعیا را در کتاب متی ۱۲: ۱۵ تا ۲۱ بخوانید. به چه روش‌هایی اشعیا و متی مشخص کرده اند که هدف عیسی بزرگ‌تر و مهم‌تر از شفا دادن تعدادی — یا حتی چند صد نفر — مردم مریض، بوده است؟

« هر معجزه ای را که عیسی انجام داد، نشانه ای از الوهیت او بود. او کارهایی را انجام داد که قبلاً پیش بینی شده بود که مسیح انجام خواهد داد؛ اما به نظر فریسی‌ها این کارهای رحیمانه، یک قانون شکنی محقق بود. رهبران یهودی با بی‌علاقگی و نگاهی عاری از عاطفه به رنج انسان نگاه می‌کردند. در بسیاری از موارد، خودخواهی و ظلم و ستم آنان باعث درد و رنج مسیح می‌شد. بدین ترتیب معجزات مسیح، آنها را عذاب می‌داد — «الین جی وایت، آرزوی اعصار، صفحه ۴۰۶.»

معجزات شفای عیسی، اعمالی از روی محبت و عدالت بودند. اما در همه موارد، انسان‌هایی که او شفا می‌داد، در نهایت همان انسان قبل از شفا یافتن و اولیه از نظر شخصیتی نبودند. در نهایت هدف تمام آنچه که مسیح انجام داد، هدایت مردم بسوی زندگی ابدی بود ( یوحنا ۱۷: ۳ را بخوانید).

## چهارشنبه

۲۳ مرداد

## پاکسازی معبد

وقتی ما حکایات عیسی را در انجیل می‌خوانیم، ما اغلب مجذوب تصاویر آرام عیسی می‌شویم — مراقبت و توجه او نسبت به بیماران و کودکان، حکایت‌های او در مورد جستجوی گمراهان و زیان دیدگان، و صحبت‌هایی که او درباره ملکوت خداوند می‌کرد. و ما در داستان‌های دیگر، می‌بینیم که او مخصوصاً در برابر رهبران مذهبی زمان خودش و برخی از مراسم مذهبی، محکم و بی‌پرده و رک عمل می‌کند — و این می‌تواند باعث علت تعجب ما شود.

متی ۲۱: ۱۲ تا ۱۶؛ مرقس ۱۱: ۱۵ تا ۱۹؛ لوقا ۱۹: ۴۵ تا ۴۸؛ یوحنا ۲: ۱۳ تا ۱۷ را بخوانید. اهمیت این واقعتی که حکایت‌های متشابه در تمام شرح حال‌های انجیل گفته شده است، چیست؟

خیلی جای تعجب نیست که این رویداد در تمام انجیل‌ها ذکر شده است. این یک حکایت تأثرآور، تأثیرگذار و پر شور است. عیسی آشکارا نگران استفاده معبد به این طریق و جایگزینی جایگاه واقعی عبادت با مکان خرید و فروش حیوانات برای قربانی کردن بود. بی‌رحمی که در همه آن قربانی‌ها به نمایش می‌گذاشتند، بیان‌کننده این بود که مرگ مسیح جایگزینی برای مجازات مرگ جهان برای گناه خواهد بود.

اقدامی چنین بی‌پرده به خوبی متناسب با سنت پیامبران عبرانی بود. در هر یک از حکایت‌های انجیل توسط عیسی و یا نویسندگان انجیل به این نکته اشاره شده است و از اشعیا، ارمیا تا مزامیر نقل شده تا توضیح دهند که چه اتفاقی در این حکایت رخ داده است. مردم عیسی را به عنوان نبی شناختند (متی ۲۱: ۱۱ را ببینید) بعد از اینکه او سوداگران و کسانی که دادوستد می‌کردند را بیرون راند، همانطور که در حیاط معبد شفا و آموزش می‌داد مردم بسوی او آمدند. اینها افرادی بودند که در اثر لمس او بهبودی یافته بودند و همانطور که به تعلیم او گوش می‌دادند، امید در قلب آنان رشد می‌کرد. همچنین رهبران مذهبی، عیسی را به عنوان نبی شناختند - به عنوان کسی که برای قدرت و ثبات نظم اجتماعی آنان خطرناک بود - و به دنبال روش طراحی قتل عیسی مسیح به همان شیوه‌ای که پیشینیانشان علیه انبیاء در قرن‌های پیشین طراحی کرده بودند، رفتند (این مقایسه را در لوقا ۱۹: ۴۷ ببینید).

به عنوان اعضای کلیسا، چگونه می‌توانیم نقش خودمان را ایفا کنیم تا اطمینان حاصل کنیم که کلیساهای محلی ما هرگز به مکانی مانند معبد ایام مسیح مبدل نشود؟ ما چگونه می‌توانیم از آن خطرات روحانی جلوگیری کنیم؟ در واقع، برخی از آنها چگونه ممکن است باشد؟

۲۴ مرداد

پنجشنبه

## صلیب مسیح

خداوند، خدایی است که فریاد و گریه‌های افراد فقیر و ستم‌دیده را می‌بیند، می‌شنود و آرامش بخش آنان است. خداوند، خدایی است که از طریق عیسی مسیح بدترین اعمال غیر انسانی جهان، ظلم و ستم و بی‌عدالتی را تجربه کرده و متحمل شده است. با وجود تمامی دلسوزی‌ها و مهربانی‌هایی که عیسی در زندگی و خدمتش نشان داد، مرگ او به علت نفرت، حسادت و بی‌عدالتی رخ داد.

از دعا‌های هراس عیسی در باغ جستیمانی تا دستگیری، «محاكمه»، شکنجه، تمسخر شدن، مصلوب شدن و مرگ؛ او به شدت متحمل درد، ظلم و ستم، آزار و قدرت ستمگران شد. تمام اینها توسط او که بی‌گناه، پاک و نیکو بود، کسی که عذاب کشیده بود، تحمل شد: «بلکه خود

را از تمام مزایای آن محروم نموده، به صورت یک غلام درآمد و شبیه انسان شد. چون او به شکل انسان در میان ما ظاهر گشت، خود را فروتن ساخت و از روی اطاعت حاضر شد مرگ - حتی مرگ بر روی صلیب- را بپذیرد « ( فیلیپیان ۲: ۷ و ۸ ). با نگاه موشکافانه در باب حکایت نجات و رستگاری، ما زیندگی قربانی شدن عیسی را برای گناهانمان می بینیم، اما نباید بی رحمی را که او در اثر عذاب و بی عدالتی تجربه کرد، فراموش کنیم.

اشعیا ۵۳: ۳ تا ۶ را بخوانید. این آیات چه چیزی را به ما دربارهٔ اتفاقی که برای عیسی افتاد - رنج کشیدن بی گناهی به خاطر گناه - می گوید؟ چگونه این روایت به ما کمک می کند، تا از گذار سختی که بخاطر ما از آن عبور کرد، درک کنیم؟

خداوند از طریق عیسی مسیح می داند که قربانی بدی و بی عدالتی شدن به چه احساسی شبیه است. اعدام یک انسان بی گناه، بیشتر از قتل خودِ خداوند ناعادلانه است. خداوند هویت خودش را در شرایطی که ما دل شکسته و افتاده بودیم، بر ما آشکار کرد، که ما نمی توانیم در همدردی، شفقت و وفاداری او تردید کنیم: « زیرا کاهن اعظم ما کسی نیست که از همدردی با ضعفهای ما بی خبر باشد، بلکه کسی است که درست مانند ما از هر لحاظ وسوسه شد، ولی مرتکب گناه نگردید » ( عبرانیان ۴: ۱۵ ). چه مکاشفه ای از شخصیت خداوند ما! چگونه ما حتی در ذهن خودمان در پیرامون « مژدهٔ نیکو » در بارهٔ خداوند که صلیب بیان کنندهٔ آن است، می توانیم به نتیجه برسیم؟

در تمام کارهایی که ما برای خداوند انجام می دهیم، به ویژه در رسیدگی به نیازمندان، چرا باید همیشه مرگ عیسی را به عنوان جایگزین مرگ ما - نه فقط برای ما بلکه برای کسانی که ما به آنان کمک می کنیم - محور کار خدمت و هدف خود قرار دهیم؟

۲۵ مرداد

جمعه

**تفکری فراتر:** بخوانید، *الِن جی وایت*، *In the Footsteps of the Mater*، صفحات ۱۱۷ تا ۱۲۴، *Days of Ministry : Welfare Ministry*، صفحات ۲۹ تا ۵۰، در *Ministry of Healing* ؛ *The Temple Cleansed Again*، صفحات ۵۸۹ تا ۶۰۰؛ *In Pilate's Judgment Hall*، صفحات ۷۲۳ تا ۷۴۰، در *آرزوی اعصار*.

« خداوند در کلام خویش بینات و دلایلی قطعی ارائه نموده که ناقضان احکامش را کیفر خواهد داد. کسانی که خودفریبی می کنند که او رؤف تر از آن است که تقصیرکاران را به عدل و انصاف دآوری کند، تنها باید به صلیب جلجتا نظری بیندازند. مرگ یگانه

فرزند معصوم خدا گواه بر این است که « مزد گناه موت است » است و هر که ناقض قانون خداوند باشد باید مجازاتش را بپذیرد. مسیح بی گناه به خاطر انسان گناهکار شد. او تقصیر سرپیچی را بر خود گرفت، و از دیدن سیمای پدر خویش محروم گشت، تا زمانی که قلب او شکست و حیات از جسم او رخت بست. همه این فداکاری برای شفاعت گناهکاران انجام شد تا شاید جرم گناهکاران بازخیر شده و آنان بخشیده شوند. و به هیچ طریقه دیگری انسان نمی توانست از مجازات گناه رها شود. و هر روحی که این کفاره را نپذیرد که به بهای خون مسیح پرداخت و خریده شده است، باید خودش شخصاً آماده تحمل مجازات گناه و سرپیچی از خداوند باشد « الن جی وایت، نبرد عظیمنبرد عظیم، صفحات ۵۳۹ و ۵۴۰.

### سوالاتی برای بحث

۱. تفسیر الن جی وایت را در بالا بخوانید. در مورد واقعیت بی عدالتی صحبت کنید: مسیح، بی گناه، از مجازات گناهکار رنج برد! چرا مهم است که این حقیقت حیاتی را همیشه به یاد داشته باشیم؟
۲. عیسی هرگز از اصلاحات سیاسی حمایت نمی کرد، تا بدین ترتیب نوعی از «پادشاهی» را معرفی کند. به غیر از همه اینها، تاریخ با داستان های بسیار غم انگیز از افرادی که از خشونت و ظلم و ستم استفاده می کنند، و همه به نام کمک کردن به ضعیفان و ستم دیدگان بوده، پر شده است. بنابراین اغلب آنچه که در تاریخ انجام شده بود جایگزینی یک طبقه ستمگر با یکی دیگر بود. اگرچه مسیحیان می توانند و باید با قدرت هایی که سعی دارند به ضعیفان کمک کنند، کار کنند، چرا همیشه باید از سؤاستفاده سیاست برای رسیدن به این اهداف آگاه باشند؟
۳. فکر کنید که طرح نجات چیست؟ عیسی مسیح، عادل، از دست ناعادلان رنج می برد - یعنی هر یک از ما. چرا باید این قربانی بزرگ، به عوض ما، ما را از طریق مسیح به انسان هایی جدید مبدل کند؟

**خلاصه:** در انجیلها، رسالت عیسی با ارجاع به کار انبیاء عهد عتیق معرفی و توضیح داده شده است. خبر خوش برای فقرا، آزادی برای ستمدیدگان و شفا برای دلشکستگان و آنچه را که عیسی در طول رسالتش انجام داد، به عنوان نشان های مسیح اعلام شده بودند. با این حال، در مرگ او، مسیح همچنین از اعمال ناعادلانه رنج برد و در نهایت بر بدترین عامل سقوط انسانی و غیر انسانی، غلبه کرد. قدردانی از مرگ ناعادلانه او به جای ما، می تواند باعث بخشش گناهان ما شود و ما صاحب وعده زندگی ابدی به واسطه او شویم.